

## ORIGINAL ARTICLE

### From Social Constructivism to Social Identity Engineering in Türkiye's Education System during the Erdoğan Era (2002–2025)

Ismail Baniadam 

Assistant Professor, Department of International Relations, Faculty of Political Science, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

#### Correspondence:

Ismail Baniadam

Email: [ismail.baniadam@iau.ac.ir](mailto:ismail.baniadam@iau.ac.ir)

Receive Date: 24/Dec/2025

Revise Date: 22/Jan/2026

Accepted: 21/Feb/2026

Publish Date: 21/Mar/2026

#### How to cite

Baniadam, I. (2026). From Social Constructivism to Social Identity Engineering in Türkiye's Education System during the Erdoğan Era (2002–2025). *New Studies in Educational Sciences*, 2 (1), 23-34. (<https://doi.org/10.30473/ns.2026.77816.1048>)

#### ABSTRACT

This research examines the systematic transformation of Turkey's educational system during the Justice and Development Party era (2002–2025). The central issue is the transition from a learner-centered “social constructivist” framework to a state-led “social identity engineering” project under Erdoğan. Although the 2005 reforms emphasized active learning driven by global standards, policies shifted toward ideological alignment, religious nationalism, and moral conditioning after 2010, particularly post-2016. The objective of this article is to conduct a multi-level analysis of this transition and identify mechanisms of semantic redefinition within the pedagogical system. Utilizing a qualitative research design, this study examines 60 primary sources—including policy documents, international reports, and textbooks—through thematic analysis. The findings reveal that recent reforms do not signify the total abandonment of constructivism; rather, prior pedagogical techniques have been redefined within a new value-based framework titled “Virtue-Value-Action” to cultivate “desirable citizens.” Consequently, by proposing a three-layered model (international, institutional, and pedagogical), this research concludes that Turkey's educational changes represent a historical continuation of instrumentalism education for nation-building, characterized by heightened state control and content restructuring, serving as a cautionary tale for the critical analysis of educational concept redefinition in sensitive political contexts.

#### KEYWORDS

Social Constructivism, Social Engineering, Education System, Erdoğan, Türkiye.



## «مقاله پژوهشی»

### گذار از سازه‌انگاری اجتماعی به مهندسی هویت اجتماعی در نظام آموزشی ترکیه در دوران اردوغان (۲۰۰۲ تا ۲۰۲۵)

اسماعیل بنی‌آدم 

استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد، زنجان، ایران.

#### نویسنده مسئول:

اسماعیل بنی‌آدم

رایانامه: [ismail.baniadam@iau.ac.ir](mailto:ismail.baniadam@iau.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

#### چکیده

این پژوهش به بررسی دگرگونی نظام آموزشی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه (۲۰۰۲ تا ۲۰۲۵) می‌پردازد. مسئله اصلی، بررسی گذار نظام‌مند از یک چارچوب «سازه‌انگاری اجتماعی» یادگیرنده‌محور به طرحی برای «مهندسی هویت اجتماعی» از سوی دولت اردوغان است. اگرچه اصلاحات سال ۲۰۰۵ تحت تأثیر استانداردهای جهانی بر یادگیری فعال تأکید داشت، اما پس از ۲۰۱۰ و به‌ویژه پس از سال ۲۰۱۶، سیاست‌ها به سمت هم‌سوسازی ایدئولوژیک، ملی‌گرایی دینی و اخلاق‌مداری حرکت کردند. هدف این مقاله، تحلیل چندسطحی این گذار و شناسایی سازوکارهای بازتعریف معنایی در سیستم پداگوژی است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از تحلیلی کیفی، ۶۰ منبع اولیه شامل: اسناد سیاست‌گذاری، گزارش‌های بین‌المللی و کتاب‌های درسی را با روش تحلیل مضامین بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اصلاحات اخیر به معنای حذف کامل سازه‌انگاری نیست، بلکه تکنیک‌های آموزشی پیشین در چارچوب ارزشی جدیدی به نام «فضیلت ارزش عمل» بازتعریف شده‌اند تا شهروندی مطلوب تربیت کنند. در نتیجه، این پژوهش با ارائه الگویی سه‌لایه (بین‌المللی، نهادی، پداگوژیک) نتیجه می‌گیرد که تغییرات آموزشی ترکیه، تداوم تاریخی ابزاری‌سازی آموزش برای ملت‌سازی است که با تشدید کنترل دولتی و بازآرایی محتوایی همراه بوده و هشدار برای تحلیل دقیق‌تر بازتعریف مفاهیم آموزشی در بافت‌های سیاسی حساس محسوب می‌شود.

#### واژه‌های کلیدی

سازه‌انگاری اجتماعی، مهندسی هویت، نظام آموزشی، ترکیه، اردوغان.

#### استناد به این مقاله:

بنی‌آدم، اسماعیل. (۱۴۰۵). گذار از سازه‌انگاری اجتماعی به مهندسی هویت اجتماعی در نظام آموزشی ترکیه در دوران اردوغان (۲۰۰۲ تا ۲۰۲۵). *مطالعات نوین در علوم تربیتی*، ۲۳(۱)، ۳۴-۳۳.

(<https://doi.org/10.30473/ns.2026.77816.1048>)



## مقدمه

چشم‌انداز نظام‌های آموزشی یکی از تأثیرگذارترین سازوکارهایی هستند که دولت‌ها از طریق آن‌ها به ساخت دانش، هویت و نظم اجتماعی می‌پردازند. در جوامع معاصر، ارتباط میان قدرت سیاسی و آموزش اهمیتی دوچندان می‌یابد، به‌ویژه در مواردی که دولت‌ها به دنبال هدایت هنجارهای اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی و جهت‌گیری‌های هویتی هستند (اپل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). ترکیه نمونه‌ای برجسته از این پویایی و تغییرات؛ به‌ویژه در دوره‌ی حزب عدالت و توسعه تحت رهبری رجب طیب اردوغان (۲۰۰۲ تا ۲۰۲۵) ارائه می‌کند. در طول این دوره، دگرگونی‌های عمیقی در طراحی برنامه درسی، هویت حرفه‌ای معلمان، ساختارهای نهادی و محتوای ایدئولوژیک آموزش و پرورش اتفاق افتاده داده (لینکوئیست<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). این تغییرات توجه پژوهشگران را به بررسی تقاطع میان ایدئولوژی سیاسی و آموزش جلب کرده است.

دهه نخست ۲۰۰۰، با اجرای اصلاحات سازه‌انگاره آموزشی مشخص می‌شد، به‌ویژه برنامه درسی ۲۰۰۵ که با حمایت بانک جهانی و در هماهنگی با استانداردهای جهانی پداگوژی تهیه شده بود (اینال<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). سازه‌انگاری بر یادگیری فعال، تفکر انتقادی و آموزش یادگیرنده‌محور تأکید دارد (فاسنات<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳). از این‌رو، اصلاحات ۲۰۰۵ اغلب به‌عنوان نشانه‌ای از نوسازی، مردم‌سالاری و هماهنگی با فرآیند پیوستن به اتحادیه‌ی اروپا تفسیر می‌شد (کالبر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴). با این حال، با تغییر فضای سیاسی ترکیه پس از سال ۲۰۱۰، گفتمان و سیاست‌های آموزشی بازتاب‌دهنده تأکید فزاینده بر هویت ملی-دینی، پرورش اخلاقی و هم‌سوسازی ایدئولوژیک شدند (تورکمن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹). این تغییرات پس از اعتراض‌های پارک گزی (۲۰۱۳) و تلاش نافرجام کودتا در سال ۲۰۱۶ تشدید شد و دولت کنترل متمرکز خود بر نهادها، معلمان و برنامه‌های درسی را افزایش داد (جان و کاپا<sup>۷</sup>، ۲۰۲۵).

ادبیات موجود چندین تحول کلیدی در این دوره را برجسته می‌کند: گسترش مدارس دینی امام‌خطیب (بویروک<sup>۸</sup>، ۲۰۲۱) و افزایش محتوای دینی-عثمانی در کتاب‌های درسی همراه است (اوزگن<sup>۹</sup>، ۲۰۱۴). پژوهشگران استدلال می‌کنند که این تغییرات

شکلی از مهندسی اجتماعی نرم را نشان می‌دهد؛ یعنی هویت‌سازی تدریجی و غیرمستقیم از طریق آموزش، برنامه درسی و روایت‌های نمادین صورت می‌گیرد (سن<sup>۱۰</sup>، ۲۰۲۲؛ سن ۲۰۲۳). در همان زمان، مطالعات انتقادی از فاصله‌گرفتن از پداگوژی سازه‌انگاره مطرح می‌شود که با تکیه فزاینده بر روش‌های معلم‌محور، حفظ‌محوری و انتقال ارزش‌ها همراه بوده است (تتیک<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۸). از این‌رو، ترکیه نمونه‌ای کم‌نظیر ارائه می‌کند که در آن یک نظام مدرن سازه‌انگاره در مدت دو دهه به دستگاهی برای شکل‌دهی هویت اجتماعی سیاسی‌شده دگرگون شد (اوغوز<sup>۱۲</sup>، ۲۰۲۲).

با وجود گسترش پژوهش‌ها، هنوز تحلیل‌های جامع و چندسطحی که گفتمان سیاسی، سیاست‌گذاری آموزشی، پویایی‌های نهادی، رویکردهای پداگوژیک و شکل‌گیری هویت اجتماعی نوین را به هم پیوند دهد محدود است. برخلاف روایت‌های پیشین که این گذار را گسستی ناگهانی می‌دانند، این مقاله نشان می‌دهد که تکنیک‌های سازه‌انگاری به کلی کنار گذاشته نشده‌اند. بلکه آن‌ها در چارچوبی هویت‌محور و ارزش‌بنیان بازتعریف شده‌اند. برای نمونه، «یادگیری فعال» همچنان در اسناد رسمی دیده می‌شود، اما اکنون در چارچوب «فضیلت-ارزش-عمل» تفسیر می‌گردد که هدف نهایی آن شکل‌دهی به هویت اخلاقی و ملی است. این مقاله با ارائه تحلیلی تلفیقی از گذار «سازه‌انگاری اجتماعی» به «مهندسی هویت اجتماعی» در ترکیه، این خلأ را پر می‌کند و این مطالعه یک سازوکار علی سه‌لایه را پیشنهاد می‌کند (نول<sup>۱۳</sup> و سومل، ۲۰۲۰). درک این فرایند برای پژوهشگران آموزش و سیاست‌گذاران در سراسر جهان که با چالش «بازتعریف ارزشی پداگوژی» روبرو هستند، بسیار حیاتی است.

## بیان مسئله

با مسئله اصلی که در این پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرد، دگرگونی نظام‌مند نظام آموزشی ترکیه از یک چارچوب سازه‌انگارانه‌ی یادگیرنده‌محور به‌سوی یک طرح مهندسی هویت دولتی در دوران اردوغان است. درحالی‌که برنامه درسی ۲۰۰۵ اصول یادگیری فعال، شهروندی مردم‌سالار و تفکر انتقادی را وارد نظام آموزشی کرد، اصلاحات بعدی به صورت فزاینده‌ای بر

1. Apple
2. Lindquist
3. İnal
4. Fosnot
5. Kaliber
6. Turkmen
7. Can & Kaya
8. Buyruk
9. Ozgen

10. Sen
11. Tetik
12. Oğuz
13. Nohl & Somel

هویت ترسیم می‌شود (یلماز، ۲۰۲۱). این تداوم تاریخی، اهمیت پژوهش را دوچندان می‌کند، زیرا چنین دگرگونی‌هایی پیامدهای بلندمدتی برای فرهنگ سیاسی، مشارکت دموکراتیک، مدارا با تنوع‌ها و انسجام اجتماعی دارند (بوردیو<sup>۹</sup>، ۱۹۹۰).

### اهمیت پژوهش

این دگرگونی نظام آموزشی ترکیه در دوران اردوغان یکی از مهم‌ترین تحولات در عرصه مطالعات سیاست‌گذاری آموزشی معاصر به‌شمار می‌رود. از نظر نظری/ علمی، این پژوهش چارچوبی چندسطحی و تلفیقی ارائه می‌دهد که گفتمان سیاسی، سیاست‌گذاری، ساختارهای نهادی، رویکردهای پداگوژیک و شکل‌گیری عادت‌واره اخلاقی را به هم پیوند می‌زند. برخلاف مطالعات پیشین که یا بر اصلاحات سازه‌انگاره تمرکز داشتند یا بر تغییرات هویت‌محور، این مقاله نشان می‌دهد که این دو روند در تعامل با یکدیگر و از طریق بازتعریف تدریجی معنایی رخ داده‌اند. با بهره‌گیری از مفهوم «شهروند مطلوب» یلماز (۲۰۲۱)، مقاله تعریف عملیاتی از «مهندسی هویت اجتماعی» ارائه می‌دهد و از ارجاعات مبهم به اسکات<sup>۱۰</sup> (۲۰۲۰) فراتر می‌رود. نوآوری دیگر، الگوی علی سه‌لایه (بین‌المللی، نهادی، پداگوژیک) است که نقش نقاط عطف بحرانی (۲۰۱۳، ۲۰۱۶) و عوامل ژئوپلیتیکی را در همگرایی گفتمان سیاسی و سیاست‌های آموزشی مشخص می‌سازد (نول و سومل<sup>۱۱</sup>، ۲۰۲۰).

از نظر عملی/سیاستی، درک این که مهندسی هویت چگونه از طریق برنامه درسی، ساختارهای مدرسه، نقش معلمان و عمل پداگوژیک عمل می‌کند، به سیاست‌گذاران، معلمان و پژوهشگران کمک می‌کند تا مسیرهای سیاسی‌شدن آموزش را شناسایی کنند. این پژوهش نشان می‌دهد که صرف حفظ ظاهری واژگان سازه‌انگاری برای تضمین فضای باز آموزشی کافی نیست؛ بلکه باید به بازتعریف معنایی مفاهیمی مانند «یادگیری فعال» و «تفکر انتقادی» در اسناد بالادستی توجه کرد.

از نظر روش‌شناختی، این پژوهش با استفاده از منابع مختلف اولیه، نمونه‌گیری هدفمند شفاف، کدگذاری مضامین و تعیین صریح اشباع نظری، الگویی برای پژوهش‌های کیفی اسنادی در حوزه سیاست‌گذاری آموزشی ارائه می‌دهد. همچنین با اذعان صریح به محدودیت‌ها (نبود مشاهده کلاس و مصاحبه) و

هم‌سوسازی ایدئولوژیک، هویت ملی-دینی-تاریخی و شرطی‌سازی اخلاقی تأکید کردند (یلماز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). این چرخش، این نگرانی را ایجاد می‌کند که نفوذ سیاسی به صورت ابزاری چگونه محیط‌های آموزشی را بازسازی می‌کند و هویت دانش‌آموزان را شکل می‌دهد.

شواهد این مسأله در چندین بُعد قابل مشاهده است. محتوای برنامه درسی با افزایش ارجاع‌ها به تمدن عثمانی و ارزش‌های ترکی-اسلامی در کتاب‌های درسی همراه است (اوزگن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴؛ روبین<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). تغییرهای نهادی نیز شامل گسترش مدارس دینی امام خطیب و انتصاب‌های سیاسی در نهادهای آموزشی بود (آراس و یورولمازلار<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸). رویکردهای پداگوژیک از الگوهای سازه‌انگاره‌ای یادگیری فعال فاصله گرفته و به آموزش معلم‌محور و انتقال ارزش‌های ترکی-نئوعثمانی-اسلامی بازگشته‌اند (یانارواجاک و بایر<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱). با این حال، بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که ادعای «حذف کامل سازه‌انگاری» نادرست است. آنچه رخ داده، یک «بازتعریف تدریجی معنایی» است. واژگان سازه‌انگاره مانند «یادگیری فعال» همچنان حضور دارند، اما اکنون در چارچوب ارزشی جدیدی تفسیر می‌شوند. برای نمونه، الگوی «معارف قرن ترکیه در سال ۲۰۲۴ به صراحت چارچوب «فضیلت-ارزش-عمل» را برمی‌گزیند که در آن «تفکر انتقادی» دیگر هدفی مستقل نیست، بلکه ابزاری در خدمت تربیت اخلاقی و هویت ملی است (وزارت آموزش ملی ترکیه<sup>۶</sup>، ۲۰۲۴). تناقض ظاهری میان «حذف سازه‌انگاری» و «پایداری ترکیبی» از طریق تمایز میان تکنیک‌ها (که همچنان به کار می‌روند) و چارچوب‌های هنجاری (که بازپیکربندی شده‌اند) حل می‌شود.

به علاوه، اگر به دوره پیش از ۲۰۰۲ (دهه ۱۹۹۰) نگاه کنیم، آموزش در ترکیه همواره عرصه مهندسی هویت بوده است- از پروژه ملی‌گرایانه ترکی دوره تک‌حزبی، تا سنتز ترکی-اسلامی پس از ۱۹۸۰، تا شهروندی نظامی‌شده پس از کودتای پسامدرن ۱۹۹۷ (سن<sup>۷</sup>، ۲۰۱۹؛ یانارواجاک<sup>۸</sup>، ۲۰۲۲). بنابراین اصلاحات سازه‌انگاره ۲۰۰۵ خود در تاریخ طولانی‌تری از آموزش ابزاری جای داشتند. گذار پس از ۲۰۱۰ به عنوان یک پروژه مهندسی

1. Yılmaz
2. Ozgen
3. Rubin
4. Aras & Yorulmazlar
5. Yanarocak & Byer
6. Ministry of National Education
7. Sen
8. Yanarocak

9. Bourdieu

10. Scott

11. Nohl & Somel

گسست کامل از اصلاحات سازه‌انگاران ۲۰۰۵ می‌دانند. یانارواجاک (۲۰۲۱) نیز نشان می‌دهند که معلمان در عمل ارزش‌های ملی را به شیوه‌های متفاوتی تفسیر می‌کنند. علاوه بر این، الگوی «معارف قرن ترکیه» (۲۰۲۴) به عنوان فلسفه‌ای آموزشی معرفی شده که هدف آن پرورش افراد «شایسته و فضیلت‌مند» با تفکر انتقادی و مسئولیت‌پذیری است. هرچند این مقاله نسبت به چنین ادعاهایی نگاه انتقادی دارد، حذف این روایت‌ها از پژوهش‌های پیشین تصویری یک‌سویه از تحولات آموزشی ارائه داده است.

در کنار این دو دیدگاه، رویکرد سومی بر تداوم نهادی تأکید می‌کند. پژوهشگرانی مانند یانارواجاک (۲۰۲۲) و سن<sup>۸</sup> (۲۰۱۹) یادآور می‌شوند که آموزش در ترکیه همواره عرصه سیاست‌های هویتی بوده است؛ از ملی‌گرایی دوره تک‌حزبی تا سنتز ترکی-اسلامی پس از ۱۹۸۰. در این چارچوب، آنچه در دوره حزب عدالت و توسعه تغییر کرد، نه ابزاری بودن آموزش، بلکه تعریف ایدئولوژیک «شهروند مطلوب» بود (یلماز، ۲۰۲۱).

برای درک دقیق این گذار، باید وضعیت آموزش در دهه ۱۹۹۰ نیز در نظر گرفته شود. پس از «کودتای پسامدرن» ۱۹۹۷، نفوذ ارتش بر نظام آموزشی افزایش یافت و کتاب‌های درسی شهروندی گفتمان‌های نظامی‌گرایانه و تصاویر منفی از کردها و اسلام‌گرایان سیاسی را بازتاب می‌دادند (سن، ۲۰۱۹). اصلاحات همان سال که آموزش اجباری را از پنج به هشت سال افزایش داد نیز با هدف محدود کردن تحصیلات اسلامی انجام شد (گوموش<sup>۹</sup>، ۲۰۰۹). در سطح ایدئولوژیک، «سنتز ترکی-اسلامی» که پس از کودتای ۱۹۸۰ شکل گرفته بود، تا دهه ۱۹۹۰ به کتاب‌های درسی و برنامه‌های درسی تاریخ و مدنی راه یافته بود (یانارواجاک<sup>۱۰</sup>، ۲۰۲۲). افزون بر این، نفوذ نهادهای بین‌المللی بر سیاست‌های آموزشی در این دوره محدود بود (نول و سومل<sup>۱۱</sup>، ۲۰۲۰).

در نتیجه، اصلاحات سازه‌انگاران ۲۰۰۵ نیز نمایانگر یک وضعیت کاملاً «خنثی» یا غیرایدئولوژیک نبودند، بلکه در تداوم تاریخ طولانی استفاده ابزاری از آموزش قرار داشتند. از این رو، گذار پس از ۲۰۱۰ را می‌توان نه خروج از این منطق، بلکه جایگزینی یک پروژه مهندسی ایدئولوژیک با پروژه‌های دیگر دانست.

خودداری از تعمیم افراطی درباره «عادت‌واره اخلاقی»، رویکردی متوازن و از نظر روش‌شناختی قابل دفاع را به نمایش می‌گذارد که درس‌های مهمی برای پژوهش در بافت‌های بسته و حساس سیاسی دارد. به طور خلاصه، ارزش افزوده این پژوهش در تحلیل چندلایه، جامع و مبتنی بر شواهد از دگرگونی‌های آموزشی ترکیه در دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۵ است - تحلیلی که پیش از این به طور کامل در ادبیات پژوهشی مطرح نشده و می‌تواند مبنایی برای مطالعات تطبیقی و طولی آینده قرار گیرد.

## مرور ادبیات

ادبیات مربوط به دگرگونی آموزشی ترکیه را می‌توان به دو شاخه اصلی تقسیم کرد. نخست، مطالعات داخلی که اصلاحات سازه‌انگاران ۲۰۰۵ را تحلیل کرده‌اند (اینال<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷؛ سن، ۲۰۱۷). دوم، پژوهش‌های بین‌المللی که تغییرات دوره حزب عدالت و توسعه را در چارچوب‌های تطبیقی بررسی کرده‌اند. یاووز و اوزتورک<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که آموزش چگونه به ابزاری برای شکل‌دهی به شهروندان محافظه‌کار و ملی‌گرا تبدیل شده است، و دوغان و سلینجا<sup>۳</sup> (۲۰۲۲) بر تنش میان هنجارهای جهانی پداگوژیک و اهداف ایدئولوژیک ملی تأکید می‌کنند. در مجموع، روایت غالب این است که نظام آموزشی ترکیه از سازه‌انگاری به سوی مدلی سیاسی‌شده و هویت‌محور حرکت کرده است (آراس و یورولمازلار<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸).

یلماز<sup>۵</sup> (۲۰۲۱) با تکیه بر نظریه ترومای جمعی و امنیتی‌سازی استدلال می‌کند که هم رژیم کمالیست و هم اردوغانیست از آموزش برای پروژه‌های ملت‌سازی استفاده کرده‌اند و دسته‌هایی از شهروندان «مطلوب»، «تحمل‌شده» و «نامطلوب» را شکل داده‌اند. به طور مشابه، یانارواجاک<sup>۶</sup> (۲۰۲۲) روند القای فکری در کتاب‌های درسی را از دوره تک‌حزبی تا حزب عدالت و توسعه دنبال کرده و نشان می‌دهد که مفاهیم نئوعثمانی و پان‌ترکیست به تدریج در آن‌ها تقویت شده‌اند. این یافته‌ها افزایش بازنمایی هویت ترکی-اسلامی در کتاب‌های درسی طی دو دهه اخیر را نشان می‌دهند (لوکوسلو<sup>۷</sup>، ۲۰۱۸).

با این حال، بیشتر این مطالعات گذار پس از ۲۰۱۰ را نوعی

8. Sen  
9. Gümüş  
10. Yanarocak  
11. Nohl & Somel

1. İnal  
2. Yavuz & Öztürk  
3. Doğan & Selenica  
4. Aras & Yorulmazlar  
5. Yılmaz  
6. Yanarocak  
7. Lüküslü

## چارچوب نظری

این پژوهش چهار ستون نظری را یکپارچه می‌سازد. نخست، سازه‌انگاری اجتماعی (ویگوتسکی<sup>۱</sup>، ۱۹۷۸) برای فهم اصلاحات سال ۲۰۰۵ به کار می‌رود، زیرا این اصلاحات بر یادگیری فعال و تفکر انتقادی تأکید داشتند (فاسنات<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). دوم، مهندسی هویت اجتماعی با تعریف عملیاتی زیر به کار گرفته می‌شود: مجموعه‌ای از سیاست‌های متمرکز، تدریجی و نمادین که از طریق آموزش، هدف آن تولید شهروندی است که با دینداری، وفاداری به ارزش‌های ملی-دینی و همسویی با روایت رسمی دولت مشخص می‌شود (یلماز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). اسکات<sup>۴</sup> (۲۰۲۰) حمایت غیرمستقیمی را فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه طرح‌های مدرنیستی از بالا به دنبال «خوانا» کردن جامعه برای کنترل دولت هستند. سوم، میدان و عادت‌واره بوردیو (بوردیو<sup>۵</sup>، ۱۹۹۰؛ بوردیو و واکان<sup>۶</sup>، ۱۹۹۲) به کار می‌رود تا چگونگی شکل‌گیری بالقوه گرایش‌های پایدار دانش‌آموزان در اثر مواجهه مکرر با پیام‌های ارزش‌بار تحلیل شود. با این حال، این پژوهش ادعای اندازه‌گیری تجربی عادت‌واره را ندارد؛ بلکه از این مفهوم به عنوان اشاره‌گر نظری به سازوکارهایی استفاده می‌کند که از طریق آن‌ها شرایط ساختاری ممکن است جهت‌گیری‌های فردی را متأثر سازد. چهارم، عوامل بین‌المللی شامل فشار هماهنگی با اتحادیه اروپا در دهه ۲۰۰۰، توصیه‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و بانک جهانی، و رقابت ژئوپلیتیکی منطقه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد (نول و سومل، ۲۰۲۰؛ اوزجان، ۲۰۲۰). برخلاف مطالعات پیشین که تنها به اسکات (۲۰۲۰) تکیه می‌کنند، این مقاله «مهندسی» را در تحلیلی ملموس از ملت‌سازی دولتی از طریق آموزش مهار می‌زند و از گزارش تجربی دقیق یلماز (۲۰۲۱) از پروژه‌های «شهروند مطلوب» در هر دو دوره کمالیست و اردوغانیست پیروی می‌کند.

## روش

این پژوهش از یک طرح پژوهشی کیفی بهره می‌گیرد و تحلیل اسناد، گفتمان و روش‌های مقایسه‌ای تاریخی را برای بررسی تغییرهای نظام آموزشی ترکیه در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۲ تا

۲۰۲۵ تلفیق می‌کند. روش‌شناسی کیفی مناسب است؛ زیرا هدف این پژوهش، نه اندازه‌گیری متغیرهای کمی بلکه تفسیر محتوای ایدئولوژیک، گفتمان‌های سیاسی و دگرگونی‌های نهادی است (کوربین و اشتراوس<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴).

نمونه مورد بررسی شامل ۶۰ منبع اولیه می‌شود: ۲۵ سند سیاست‌گذاری ملی آموزش که در چهار بازه زمانی کلیدی (۲۰۰۴-۲۰۰۵، ۲۰۱۳-۲۰۱۴، ۲۰۱۸-۲۰۱۷ و ۲۰۲۳-۲۰۲۴) گردآوری شده‌اند؛ ۲۵ گزارش و مقاله علمی بین‌المللی مرتبط با موضوع ۱۰ عنوان کتاب درسی در پایه‌های چهارم، هشتم و دوازدهم در سه درس تاریخ، علوم اجتماعی و آموزش دینی. پژوهشگر پس از بررسی تقریباً هشتاد درصد از این اسناد به نقطه اشباع نظری رسید، یعنی جایی که دیگر مقوله موضوعی جدیدی ظاهر نشد. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضامین (تماتیک) و با کمک نرم‌افزار مکس کیودا کدگذاری شدند. کدهای اصلی استخراج‌شده عبارت بودند از: «پداگوژی سازه‌انگارانه»، «هویت ملی-دینی-تاریخی»، «تمرکزگرایی نهادی» و «مهندسی ارزش». فرایند کدگذاری به طور تکراری و گام‌به‌گام انجام گرفت و برای اطمینان از پایایی، دو کدگذار به طور مستقل بیست درصد از نمونه را بازبینی کردند که ضریب توافق کاپا برابر با ۸۱/۰ به دست آمد که نشان‌دهنده توافقی قابل توجه و رضایت‌بخش است.

## یافته‌ها

این پژوهش دگرگونی نظام آموزشی ترکیه را در دوره‌ی ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۵ بررسی کرده و به‌طور خاص بر گذار از پداگوژی سازه‌انگارانه به الگویی متمرکز بر آموزش هویت‌ساز تمرکز دارد. تحلیل پژوهش در چهار سطح تحلیلی به‌هم‌پیوسته انجام شده است: گفتمان سیاسی، سیاست آموزشی، ساختارهای نهادی و رویکردهای پداگوژیک. بررسی این چهار سطح در کنار هم نشان می‌دهد که چگونه جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک کلان در سازوکار حکمرانی آموزشی و در نهایت در عمل کلاسی رسوخ می‌کنند و به شکل‌گیری عادت‌واره اخلاقی مهندسی شده در میان دانش‌آموزان می‌انجامند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که دگرگونی آموزشی در دوره حزب عدالت و توسعه نه از طریق یک سیاست واحد، بلکه از طریق فرآیندی تدریجی و انباشتی شامل چرخش‌های گفتمانی،

1. Vygotsky
2. Fosnot
3. Yilmaz
4. Scott
5. Bourdieu
6. Bourdieu & Wacquant

ملی-اسلامی را در وجود خود تجسم می‌بخشد؛ نسلی که میراث‌دار افتخارات نیاکان ماست» (اردوغان، ۲۰۱۹: ۲۰۲۱). در نتیجه، گفتمان پس از ۲۰۱۶ نوعی جهت‌گیری تمدنی-امنیتی می‌یابد که در آن وحدت ملی، ایمان و میراث عثمانی، سه محور اصلی در تعریف «ملت ترک جدید» هستند. پژوهشگران این چرخش را بخشی از پروژه‌ی گسترده‌ی بازتعریف هویت ملی و ایجاد پیوند دوباره میان جامعه معاصر ترکیه و میراث عثمانی-اسلامی می‌دانند.

### سیاست آموزشی

با تحلیل سیاست‌گذاری در اسناد برنامه درسی، گزارش‌های وزارتخانه و اسناد اصلاحات نشان می‌دهد که دگرگونی‌های گفتمانی در سطح سیاست نیز بروز یافته‌اند. اصلاحات برنامه درسی ۲۰۰۵ یکی از بنیادین‌ترین دگرگونی‌های پداگوژیک در تاریخ آموزش ترکیه بود و به‌شدت بر نظریه‌ی یادگیری سازه‌انگارانه تکیه داشت. این اصلاحات بر فعالیت یادگیرنده، یادگیری اکتشافی، تفکر انتقادی، حل مسئله‌ی مشارکتی و یادگیری تجربی تأکید می‌کرد (اوندر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). با وجود این، بازنگری‌های بعدی ابعاد ارزش‌محور را به‌تدریج وارد برنامه درسی کردند. از اوایل دهه‌ی ۲۰۱۰، ارجاع‌های فزاینده‌ای به فرهنگ ملی، مسئولیت اخلاقی، تعلیم اخلاق و اخلاق شهروندی در اسناد سیاستی ظاهر شد. برنامه‌های مربوط به آموزش ارزش‌ها در این دوره گسترش چشمگیری پیدا کرد (لوکوسلو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸). بازنگری سال ۲۰۱۷ زبان سازه‌انگاری را حفظ کرد، اما آن را در چارچوبی ارزش‌بنیان بازتفسیر نمود (نول و سومل<sup>۶</sup>، ۲۰۲۰). الگوی «معارف قرن ترکیه» که در سال ۲۰۲۴ معرفی شد، به صراحت چارچوب «فضیلت-ارزش-عمل» را برمی‌گزیند (ارسالان<sup>۷</sup>، ۲۰۲۵) که حول ارزش‌های ریشه‌ای «عدالت، احترام و مسئولیت‌پذیری» سازماندهی شده است. این مجموعه اصلاحات تأکید بیشتری بر میراث فرهنگی، تربیت اخلاقی و انسجام اجتماعی داشت. هرچند زبان سازه‌انگارانه در اسناد رسمی باقی ماند، پژوهشگران مشاهده کردند که ارجاع به تفکر انتقادی و پرسش‌گری آزاد کاهش یافته یا در چارچوب‌های فرهنگی و اخلاقی بازتعریف شده است (یلماز<sup>۸</sup>، ۲۰۱۸).

اصلاحات سیاستی، بازسازی نهادی و بازتفسیر پداگوژی رخ داده است. پژوهش‌های پیشین نیز اشاره کرده‌اند که آموزش در ترکیه همواره عرصه‌ای برای چانه‌زنی درباره‌ی هویت ملی، شهروندی و ایدئولوژی دولت بوده است (چنار<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵؛ کاپلان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پس از دهه ۲۰۰۰، این محرک‌ها شدت یافته و روزه‌روز بیشتر حول اهداف هویت‌محور و چارچوب‌های آموزشی اخلاقی شکل یافته‌اند.

### گفتمان سیاسی

در دهه ۲۰۰۰ به عنوان دوره گذار و ادغام، تمرکز اردوغان بر تبدیل ترکیه به بخشی از نظام جهانی و هماهنگی با استانداردهای غربی بود. وی در سخنرانی‌های خود بارها بر ضرورت اصلاحات نهادی و پیشرفت دموکراتیک تأکید کرد. چنان‌که در یکی از سخنرانی‌هایش می‌گوید: «هدف ما رسیدن به استانداردهای تمدن معاصر است. با اصلاحات ساختاری و همگامی با اتحادیه اروپا، ما موانع پیش روی ترکیه را برمی‌داریم تا فرزندانمان در کشوری زندگی کنند که در آن حقوق بشر و حاکمیت قانون، ستون‌های اصلی توسعه اقتصادی هستند» (اردوغان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). در این سطح گفتمان، دموکراسی و توسعه تقریباً معادل تمدن مدرن تصویر می‌شود و مسیر عضویت در اتحادیه اروپا به عنوان راهی برای مدرن‌سازی تعریف می‌گردد.

پس از تثبیت قدرت و بروز تنش‌های سیاسی داخلی و دوره چرخش گفتمانی (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶)، اردوغان به شکل آشکارتری بر تربیت نسلی مؤمن و اخلاق‌مدار تأکید کرد. او در سخنرانی معروف خود در مجلس، از ضرورت تربیت «نسل پرهیزکار» سخن گفت: «وظیفه ما ساختن نسلی است که نه تنها دانش علمی دارد، بلکه به ارزش‌های اصیل و اخلاق اسلامی ما نیز پایبند است» (اردوغان، ۲۰۱۶). در این مرحله، واژگان مربوط به ایمان، ارزش‌های اخلاقی و میراث تمدنی جایگزین مفاهیم توسعه غربی و دموکراسی شدند و محور اصلی هویت ملی تلقی گردیدند. پس از کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ به عنوان دوره اقتدار ملی-مذهبی (پس از ۲۰۱۶)، گفتمان سیاسی اردوغان رنگ امنیتی و ایدئولوژیک گرفت. او در سخنرانی‌های متعدد پس از آن بر مفهوم «نسل ملی-اسلامی»، «وحدت علیه توطئه‌ها» و «بقای دولت» تأکید کرد. «ما در حال تربیت نسلی هستیم که ارزش‌های

4. Ünder  
5. Lüküslü  
6. Nohl & Somel  
7. Arsalan  
8. Yılmaz

1. Çınar  
2. Kaplan  
3. Erdoğan

## ساختارهای نهادی

تحول نهادی در این دوره، این دگرگونی‌ها را تقویت کرده است. یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌های ساختاری، گسترش مدارس امام‌خطیب بود که آموزشی ترکیبی از موضوعات عمومی و دینی - عثمانی ارائه می‌دهند. این مدارس از سال ۲۰۱۲ و پس از اصلاحات «۴+۴+۴» شاهد افزایش چشمگیر ثبت‌نام بودند (بویروک<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). تحول در فرآیند انتصاب مدیران، توزیع معلمان و نظارت نهادی، نفوذ دولت مرکزی بر مدارس را افزایش داد. گزارش‌های یونسکو و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز این الگوی تمرکز نظارتی را تأیید کرده‌اند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹). پس از رویدادهای سیاسی ۲۰۱۶، این بازسازی نهادی شدت یافت و سازوکارهای جدیدی برای نظارت ایجاد شد. نتیجه‌ی این فرآیند شکل‌گیری ساختار نهادی هم‌سو با اهداف ایدئولوژیک ملی بود.

## رویکردهای پداگوژیک (حل تناقض ظاهری)

در سطح کلاس درسی، شواهد نشان می‌دهد که تأکید پداگوژیک به تدریج تغییر کرده است. هرچند راهنماهای آموزشی همچنان به رویکردهای سازه‌انگارانه اشاره دارند، اجرای عملی آموزش در کلاس‌ها به‌طور روزافزون مضامین فرهنگی و اخلاقی، تاریخی ساخت‌یافته را دربر گرفته است (کاپلان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶؛ یلماز<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸). در این دوره، پیام‌های اخلاقی صریح‌تری در محتوای کتب گنجانده شده که اغلب از طریق داستان‌های شخصیت‌های تاریخی، سنت‌های فرهنگی یا دستاوردهای ملی منتقل می‌شوند. مطالعات انتقادی پیشین ادعا می‌کردند که سازه‌انگاری به کلی «حذف شده است». اما یافته‌های این پژوهش یک «مدل ترکیبی ناهمگن» را نشان می‌دهد. از یک‌سو، شیوه‌های کلاسی هنوز شامل بحث‌های گروهی و فعالیت‌های پروژه-محور هستند (الکساندر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲؛ یانارواجاک و بایر<sup>۶</sup>، ۲۰۲۱) از سوی دیگر، کتاب‌های درسی به‌طور فزاینده‌ای پیام‌های اخلاقی صریحی مانند وطن‌پرستی، احترام به اقتدار و غرور ملی را در خود جای داده‌اند. تکنیک‌های سازه‌انگارانه (مانند کار گروهی، پروژه و بحث) همچنان به کار می‌روند، اما چارچوب هنجاری حاکم بر

آموزش بازپیکربندی شده است. به عبارت دیگر، ترکیه امروزه نه سازه‌انگاری محض دارد و نه آموزش معلم-محور صرف؛ بلکه ترکیبی دارد که در آن روش‌های سازه‌انگاری درون یک چارچوب ارزشی هویت-محور به کار گرفته می‌شوند.

## شکل‌گیری عادت‌واره اخلاقی (استنباط نظری)

علاوه ترکیب یافته‌های گفتمان، سیاست، نهاد و پداگوژی الگویی گسترده‌تر در شکل‌گیری عادت‌واره اخلاقی مشخص را آشکار می‌کند. اسناد سیاستی و کتاب‌های درسی به‌طور مداوم ارزش‌هایی مانند احترام به اقتدار، وفاداری ملی، انضباط شخصی و رفتار اخلاقی را ترویج می‌کنند. با این حال، مطابق با الزامات روش‌شناختی بوردیو<sup>۷</sup> (۱۹۹۰)، این پژوهش ادعای وجود شواهد تجربی مستقیم از شکل‌گیری عادت‌واره را ندارد. در عوض، استدلال می‌کند که شرایط نهادی و گفتمانی برای شکل‌گیری بالقوه چنین عادت‌واره‌ای فراهم شده است. به عبارت روشن‌تر، نظام آموزشی ترکیه بستر و زمینه لازم را برای درونی‌سازی این ارزش‌ها در دانش‌آموزان ایجاد کرده است، اما اینکه آیا این ارزش‌ها واقعاً درونی می‌شوند - یا با مقاومت، طعنه و بازتفسیر مواجه می‌گردند - نیازمند پژوهش‌های میدانی مستقیم (مانند مشاهده کلاس، مصاحبه و پیمایش‌های طولی) است. بنابراین این نتیجه‌گیری یک استنباط نظری است، نه یک یافته تجربی مستقیم - نکته‌ای که در سراسر مقاله به‌طور پیوسته اذعان شده و خواننده را از هرگونه تعمیم افراطی برحذر می‌دارد.

## بحث

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چشم‌انداز آموزشی ترکیه در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۵ دستخوش دگرگونی چندبعدی شده است؛ دگرگونی‌ای که از طریق تغییرات در گفتمان سیاسی، بازجهت‌گیری سیاست‌ها، بازسازی نهادی و سازگاری پداگوژیک شکل گرفته است.

برخلاف بسیاری از مطالعات انتقادی که دوره حزب عدالت و توسعه را گسستی تیز و ناگهانی از گذشته به ظاهر خنثی و سکولار کمالیست توصیف می‌کنند، این مقاله بر تداوم نهادی تأکید می‌کند. ابزاری کردن آموزش برای ملت‌سازی، پدیده‌ای نیست که با اردوغان آغاز شده باشد؛ بلکه در سراسر مدرنیته ترکی حضور داشته

1. Buyruk
2. OECD
3. Kaplan
4. Yilmaz
5. Alexander
6. Yanarocak & Byer

این چارچوب سه‌لایه، فراتر از مدل‌های خطی و ساده‌انگارانه «گفتمان سیاسی ← آموزش» می‌رود و به طور مشخص نشان می‌دهد که گفتمان در چه شرایط نهادی و بین‌المللی به سیاست تبدیل می‌شود و سیاست از چه سازوکارهایی برای ترجمه شدن به عمل کلاسی استفاده می‌کند.

بسیاری از مطالعات انتقادی آموزشی که از نظریه بورديو بهره می‌گیرند، اغلب تحلیل سیاست‌های آموزشی را با شواهد تجربی از شکل‌گیری سوژه خلط می‌کنند. به عبارت دیگر، صرفاً با استناد به محتوای کتاب‌های درسی یا اسناد بالادستی، نتیجه می‌گیرند که دانش‌آموزان فلان عادت‌واره را درونی کرده‌اند. اما بورديو خود بارها تأکید کرده است که عادت‌واره از طریق تکرار طولانی‌مدت تجارب عملی و نه صرفاً از راه انتقال صریح ارزش‌ها شکل می‌گیرد. این مطالعه با آگاهی از این هشدار روش‌شناختی، رویکردی محتاطانه‌تر را مدل می‌کند. در اینجا، عادت‌واره به عنوان یک اشاره‌گر نظری به کار می‌رود، نه یک ادعای تجربی اثبات‌شده. پژوهش حاضر استدلال می‌کند که شرایط نهادی و گفتمانی (مانند تکرار پیام‌های اخلاقی در کتاب‌ها، ساختار متمرکز مدرسه و اخراج معلمان منتقد) زمینه بالقوه شکل‌گیری عادت‌واره خاصی را فراهم کرده است. اما این که آیا این ارزش‌ها واقعاً توسط دانش‌آموزان درونی می‌شوند یا با مقاومت، طعنه و بازتفسیر مواجه می‌گردند، پرسشی است که تنها با پژوهش‌های میدانی مستقیم می‌توان به آن پاسخ داد. بنابراین، مطالعات آینده باید با ترکیب مشاهده کلاسی، مصاحبه‌های عمیق با معلمان و پیمایش‌های طولی در میان دانش‌آموزان، به این پرسش بپردازند که آیا ارزش‌های ترویج‌شده در گفتمان رسمی آموزش ترکیه، واقعاً به بخشی از منش و گرایش‌های پایدار یادگیرندگان تبدیل می‌شود یا خیر. تا آن زمان، هرگونه نتیجه‌گیری در مورد عادت‌واره نه به عنوان یافته‌ای قطعی، بلکه باید با احتیاط و به عنوان فرضیه‌ای نظری تحلیل شود.

### نتیجه‌گیری و بحث

این پژوهش نشان داد که گذار نظام آموزشی ترکیه از ساده‌انگاری اجتماعی به مهندسی هویت اجتماعی در دوران اردوغان (۲۰۰۲ تا ۲۰۲۵) یک فرایند تدریجی، غیرخطی و وابسته به نقاط عطف بحرانی بوده است. برخلاف روایت‌های رایج که این دگرگونی را گسستی کامل و ناگهانی می‌دانند، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که زبان و تکنیک‌های ساده‌انگاری به کلی حذف نشده‌اند. واژگانی مانند «یادگیری فعال» و «تفکر انتقادی» همچنان در

است (یانارواجاک<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). آنچه در گذار از دوره کمالیست به دوره اردوغانیست تغییر کرده، محتوای «شهروند مطلوب» است، نه خود اصل مهندسی اجتماعی از طریق آموزش (یلماز<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱). پروژه کمالیست به دنبال تربیت شهروندانی سکولار، ملی‌گرا و غرب‌گرا بود. پروژه اردوغانیست به دنبال شهروندانی پرهیزکار، محافظه‌کار و نئوعثمانی است. اما هر دو پروژه از آموزش به عنوان وسیله اصلی بازتولید اجتماعی و شکل‌دهی به هویت استفاده کردند. اذعان به این تداوم تاریخی، به هیچ وجه نقد را خنثی نمی‌کند؛ بلکه برعکس، آن را تیزتر و ریشه‌ای‌تر می‌سازد. زیرا نشان می‌دهد که اصلاحات پس از ۲۰۱۰ یک انحراف موقتی یا یک استثنا نیست، بلکه تشدید و ادامه الگویی است که قدمتی بس دیرینه در تاریخ ترکیه دارد. از این منظر، نقد باید متوجه خود «ساختار مهندسی هویت دولتی از طریق آموزش» باشد، نه صرفاً تغییر محتوای آن از سکولار به اسلامی.

این مقاله برای تبیین چگونگی گذار از ساده‌انگاری به مهندسی هویت، یک سازوکار علی سه‌لایه پیشنهاد می‌کند که سطوح بین‌المللی، نهادی داخلی و عمل پداگوژیک را یکپارچه می‌سازد.

- لایه ۱ (بین‌المللی، دهه ۲۰۰۰): فشار هماهنگی با اتحادیه اروپا، توصیه‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و بانک جهانی، طراحی و اجرای برنامه درسی ساده‌انگارانه را شکل داد (نول و سومل<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰؛ سن<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷).

- لایه ۲ (نهادی داخلی، پس از ۲۰۱۰): تمرکزگرایی فزاینده در حکمرانی آموزشی، گسترش مدارس امام-خطیب به عنوان نماد آموزش ملی-دینی، و پاکسازی گسترده معلمان پس از کودتای ۲۰۱۶ (بویروک<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱).

- لایه ۳ (پداگوژیک، پس از ۲۰۱۶): مفاهیم ساده‌انگارانه مانند «یادگیری فعال» و «تفکر انتقادی» کنار گذاشته نمی‌شوند، بلکه درون چارچوب ارزشی جدیدی («فضیلت-ارزش-عمل») بازتعریف می‌گردند. نتیجه، شیوه‌های کلاسی ترکیبی است که در آن روش‌های مشارکتی و پروژه-محور همچنان به کار می‌روند اما در خدمت اهداف اخلاقی و هویت‌محور قرار می‌گیرند (الکساندر<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲؛ یانارواجاک و بایر<sup>۷</sup>، ۲۰۲۱).

1. Yanarocak
2. Yilmaz
3. Nohl & Somel
4. Sen
5. Buyruk
6. Alexander
7. Yanarocak & Byer

استفاده کنند. همچنین مطالعات تطبیقی با سایر موارد مهندسی هویت آموزشی در سایر کشورها می‌تواند به مشخص شدن شرایطی که چنین گذارهایی در آن‌ها رخ می‌دهد کمک کند. تجربه ترکیه حکایت هشداردهنده‌ای برای نظام‌های آموزشی در سراسر جهان ارائه می‌کند: در زمینه‌های اقتدارگرایی رقابتی، زبان‌پداگوژیک مترقی می‌تواند به طور صوری حفظ شود درحالی‌که محتوای آن به تدریج برای شکل‌دهی هویت مورد استفاده مجدد قرار می‌گیرد. توانایی تشخیص چنین «بازتعریف معنایی» نه صرفاً بر اساس تحلیل سطحی برنامه درسی، بلکه مستلزم توجه دقیق به چارچوب‌های رسمی است.

### دسترسی به داده‌ها

دسترسی به داده‌ها در صورت درخواست پژوهشگران عزیز وجود دارد.

### مشارکت‌های نویسندگان

تمامی نویسندگان در شکل‌گیری ایده پژوهش و طراحی مطالعه مشارکت فعال داشته‌اند.

### ملاحظات اخلاقی

در جریان اجرای این پژوهش و تهیه مقاله، کلیه قوانین کشوری و اصول اخلاق حرفه‌ای مرتبط با پژوهش رعایت شده است.

### تعارض منافع

بنابر اظهار نویسنده، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است. این مقاله قبلاً در هیچ نشریه‌ای اعم از داخلی یا خارجی چاپ نشده است.

### تامین مالی

کلیه هزینه‌های پژوهش حاضر توسط نویسنده مقاله تأمین شده است.

### شفافیت

نویسندگان تأیید می‌کنند که این مقاله گزارشی صادقانه، دقیق و شفاف از پژوهش انجام‌شده ارائه می‌دهد. هیچ بخش مهمی از فرایند یا نتایج پژوهش حذف نشده و این پژوهش مطابق با اصول اخلاق پژوهش و صداقت علمی انجام شده است.

اسناد رسمی حضور دارند، اما در چارچوب ارزشی جدیدی به نام «فضیلت-ارزش-عمل» بازتعریف شده‌اند. به عبارت دیگر، آنچه رخ داده، نه بازگشت به یک وضعیت خنثی و غیرسیاسی، بلکه جایگزینی یک پروژه مهندسی هویت با پروژه‌ای دیگر است. نقاط عطف بحرانی- به ویژه اعتراضات پارک گزی در سال ۲۰۱۳ و کودتای نافرجام ۲۰۱۶- نقش تعیین‌کننده‌ای در شتاببخشی به همگرایی میان گفتمان سیاسی و سیاست‌های آموزشی ایفا کرده‌اند. پیش از این رویدادها، فشارهای بین‌المللی (هماهنگی با اتحادیه اروپا، توصیه‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و بانک جهانی) تا اندازه‌ای به عنوان وزنه‌های تعادلی عمل می‌کردند و مانع از تغییرات رادیکال می‌شدند. اما پس از ۲۰۱۶، این محدودیت‌ها تضعیف شدند و دولت توانست دستورکارهای هویتی خود را با سرعت و شدت بیشتری در نظام آموزشی پیاده کند. در عین‌حال، این مقاله بر تداوم نهادی تأکید دارد. ایزاری کردن آموزش برای ملت‌سازی پدیده‌ای نیست که با اردوغان آغاز شده باشد؛ این پدیده همواره در مدرنیته ترکی حضور داشته است. پروژه کمالیست به دنبال تربیت شهروندانی سکولار و ملی‌گرا بود و پروژه اردوغانیست به دنبال شهروندانی پرهیزکار و نئوعثمانی است. هر دو از آموزش به عنوان وسیله اصلی بازتولید اجتماعی استفاده کرده‌اند. اذعان به این تداوم، نقد را تیزتر می‌کند، زیرا نشان می‌دهد که اصلاحات پس از ۲۰۱۰ انحرافی موقتی نیست، بلکه تشدید الگوی دیرینه است. در سطح پداگوژیک، آنچه امروز در کلاس‌های درس ترکیه دیده می‌شود، یک مدل ترکیبی ناهمگن است: روش‌های مشارکتی و پروژه-محور همچنان به کار می‌روند، اما در چارچوبی ارزشی و هویت-محور که بر تربیت اخلاقی و وفاداری ملی اولویت دارد. این یافته، تصور رایج از «عقب‌گرد آموزشی» را پیچیده‌تر می‌کند و نشان می‌دهد که تغییرات در نظام آموزشی ترکیه نه از راه حذف، بلکه از راه بازتعریف معنایی پیش رفته است. به طور کلی، این پژوهش با ارائه الگوی سه‌لایه (بین‌المللی، نهادی، پداگوژیک) و تحلیل چندسطحی از گفتمان، سیاست، نهاد و عمل کلاسی، تصویری دقیق و مبتنی بر شواهد از دگرگونی آموزشی ترکیه ارائه می‌دهد که می‌تواند مبنایی برای درک پدیده‌های مشابه در دیگر کشورها قرار گیرد. این مطالعه صرفاً بر اساس تحلیل اسناد است. پژوهش‌های آینده باید از روش‌های ترکیبی- مشاهده کلاسی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با معلمان و پیمایش‌های طولی دانش‌آموزی- برای آزمون استنباط‌های نظری ارائه شده در اینجا

## References

- Alexander, R. (2012). Pedagogy, culture and the power of comparison. In *Educational Theories, Cultures and Learning* (pp. 10-26). Routledge.
- Apple, M. W. (2019). *Ideology and curriculum* (4th ed.). Routledge.
- Aras, B., & Yorulmazlar, E. (2018). State, institutions and reform in Turkey after July 15. *New Perspectives on Turkey*, 59, 135-157.
- Arslan, A. (2025). TYMM Erdem-Değer-Eylem Çerçevesi'nin İncelenmesi. *Temel Eğitim*, 7(27), 106-121.
- Bourdieu, P. (1990). *The logic of practice*. Stanford University Press.
- Bourdieu, P., & Wacquant, L. (1992). *An invitation to reflexive sociology*. University of Chicago Press.
- Buyruk, H. (2021). The role of religious education in hegemony construction: the case of imam hatip schools in Turkey. *Paedagogica historica*, 57(6), 657-674.
- Can, E., & Kaya, S. (2025). Academic Freedom under Authoritarian Rule in Post-2016 Turkey: Institutional Recomposition and Individual Trajectories. *Sociologica*, 19(3), 87-107.
- Çinar, A. (2005). *Modernity, Islam, and secularism in Turkey: Bodies, places, and time* (Vol. 14). U of Minnesota Press.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2014). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Sage publications.
- Dinçer, M. A. (2013). *Education policy issues in Turkey*. Columbia University.
- Doğan, S., & Selenica, E. (2022). Authoritarianism and academic freedom in neoliberal Turkey. *Globalisation, Societies and Education*, 20(2), 163-177.
- Erdoğan, R. T. (2004, October 6). *Speech made to the Assembly*. Parliamentary Assembly of the Council of Europe. <https://assembly.coe.int/nw/xml/Speeches/Speech-XML2HTMLEN.asp?SpeechID=57&a1=4&p2=2>.
- Erdoğan, R. T. (2016, February 27). *Dindar nesil yetiştireceğiz*. Diken. <https://www.diken.com.tr/erdogan-sozunden-vazgecmeyen-hedefimiz-dindar-nesil-yetistirmek>.
- Erdoğan, R. T. (2019, November 6). *Erdoğan o sözlerini tekrar etti! 'Dindar bir nesil yetiştireceğiz'*. Yeniakit. <https://www.yeniakit.com.tr/haber/erdogan-o-sozlerini-tekrar-etti-dindar-bir-nesil-yetistirecegiz-951220.html>.
- Erdoğan, R. T. (2021, October 15). *Cumhurbaşkanı Erdoğan'dan dindar nesil açıklaması*. Dailymotion. <https://www.dailymotion.com/video/x84vord>.
- Fosnot, C. T. (2013). *Constructivism: Theory, perspectives, and practice*. Teachers College Press.
- İnal, K., Akkaymak, G., & Yildirim, D. (2017). The Constructivist Curriculum Reform in Turkey in 2004: In Fact What Is Constructed?. In *International critical pedagogy reader* (pp. 173-178). Routledge.
- Kaliber, A. (2014). Europeanization in Turkey: In search of a new paradigm of modernization. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 16(1), 30-46.
- Kaplan, S. (2006). *The pedagogical state: Education and the politics of national culture in post-1980 Turkey*. Stanford University Press.
- Lindquist, C. (2017). Educational Reform in Turkey. *International Journal of Progressive Education*, 13(2), 133-143.
- Lüküslü, D. (2018). Creating a pious generation: Youth and education policies of the AKP in Turkey. In *Exit from Democracy* (pp. 169-182). Routledge.
- Ministry of National Education [MEB]. (2024). *Türkiye Yüzyılı Maarif Modeli*. Ankara: MEB. Retrieved from <https://tymm.meb.gov.tr/>
- Nohl, A. M., & Somel, N. (2020). Education policy in Turkey. In *Oxford Research Encyclopedia of Education*.
- OECD. (2019). *Education policy outlook: Turkey*. OECD Publishing.
- Oğuz, A. (2022). *Reconstruction of Turkish national identity through shifting perceptions of threat* (Doctoral dissertation, Middle East Technical University (Turkey)).
- Ozgen, Z. (2014). *Schooling, Islamization, and Religious Mobilization in Turkey* (Doctoral dissertation, UCLA).
- Rubin, S. R. (2011). *Islamization of Turkey under the AKP Rule*. B. Yeşilada, & B. M. Rubin (Eds.). London: Routledge.
- Scott, J. C. (2020). *Seeing like a state: How certain schemes to improve the human condition have failed*. Yale University Press.
- Sen, A. (2017). *Citizenship Education between Secular and Religious Nationalism: A Case of Curriculum Reform in Turkey 1995-2012* (Doctoral dissertation, UCL (University

- College London)).
- Sen, A. (2019). Militarisation of citizenship education curriculum in Turkey. *Journal of Peace Education*, 16(1), 78-103.
- Sen, A. (2022). Articulations of Islamic nationalism in the educational reform discourse of 'new Turkey'. *Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education*, 43(2), 205-216.
- Sen, K. (2023). Citizenship education under authoritarian Islamic nationalism: An exploration of teachers' conceptions of citizenship in Turkey. *Journal of Curriculum Studies*, 55(2), 171-186.
- Tetik, M. O. (2018). *THE DISCOURSE OF CHANGE AND CONTINUITY: The International Politics of Turkish National Identity Formation (2002-2017)* (Doctoral dissertation, Durham University).
- Turkmen, B. (2009). A transformed Kemalist Islam or a new Islamic civic morality? A study of "religious culture and morality" textbooks in the Turkish high school curricula. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 29(3), 381-397.
- Ünder, H. (2012). Constructivism and the Curriculum Reform of the AKP. In *Neoliberal Transformation of Education in Turkey: Political and Ideological Analysis of Educational Reforms in the Age of the AKP* (pp. 33-45). New York: Palgrave Macmillan US.
- Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in society: The development of higher psychological processes* (Vol. 86). Harvard university press.
- Yanarocak, H. E. C. (2022). *The Evolution of the Turkish School Textbooks from Atatürk to Erdogan*. Bloomsbury Publishing USA.
- Yanarocak, H. E. C., & Byer, D. M. (2021). The Erdoğan revolution in the Turkish curriculum textbooks. *Impact-se. March*.
- Yavuz, M. H., & Öztürk, A. E. (2019). *Islam, Populism and Regime Change in Turkey*. Routledge.